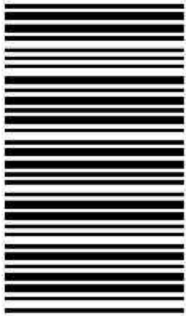


کد کنترل

118

E



118E

دفترچه شماره (1)

صبح جمعه

۹۸/۱۲/۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۹

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی - کد (۲۱۳۰)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی - فقه - اصول	۹۰	۱	۹۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

۱۳۹۹

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ‌نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخ‌نامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۱۰)

۱- عین الخطأ في المفهوم:

- ۱) ﴿هل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا﴾: آیا برای ما شفیعیانی هستند تا ما را شفاعت کنند!
 - ۲) ﴿لا تطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي﴾: در آن از حدّ و اندازه مگذرید که غضب من بر شما فرود آید!
 - ۳) ﴿لولا أحررتي ... فأصدقّ و أكن من الصالحين﴾: چرا آجل مرا به تأخیر نینداختی ... تا صدقه دهم و از صالحان باشم!
 - ۴) ﴿لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين﴾: خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و صبر پیشه نمودند، مشخص نکرده است!
- ۲- «ويحك! إن لكل أجل وقتاً لا يعود، و سبباً لا يتجاوز، فلا تعدّ نمثل هذه الكلمات، فإنما نفت الشيطان على لسانك!». عین الصحيح: وای بر تو!

- ۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی‌افتد، و سببی است که از آن در نمی‌گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگردد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!
- ۲) هر سررسیدی را اجلی است معین که از آن نمی‌گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی‌کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می‌باشد بر زبان تو!
- ۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی‌گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی‌کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفی را بر زبانت جاری ساخت!
- ۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی‌کند، و علتی است که از آن در نمی‌گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگردد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

۳- «أنا لا أحب أن أخدع نفسي عن نفسي، كما لا أحب أن أخدع الناس عنها!». عین الصحيح في المفهوم:

- ۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!
- ۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!
- ۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!
- ۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

۴- « و من لا یغض عینه عن صدیقه و عن بعض ما فیه، یمت و هو عاتب! »:

- ۱) هر آنکس که از دوست خود و از برخی عیوبی که در اوست چشم‌پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- ۲) هر کس چشمان خود را بر عیب‌هایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- ۳) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش کننده است!
- ۴) هر که چشم خویش را از عیب‌هایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، در حالی از دنیا می‌رود که عتاب کننده است.

۵- « و لو رأتی فی نار مسعرة ثم استطاعت، لزدت فوقها خطبا! »:

- ۱) اگرچه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- ۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- ۳) چنانچه مرا در آتش سوزان ببیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- ۴) اگر مرا در آتشی افروخته ببیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

۶- « و وضع الندی فی موضع السیف بالعلی مضر، کوضع السیف فی موضع الندی! ». عین غیرالمناسب لمفهوم البیت:

- ۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش
- ۲) نیکی ار در محل خود نبود
- ۳) نیکی کنی بجای تو نیکی کنند باز
- ۴) نکوئی با بدان کردن چنان است
- ظلم باشد به غیر موضع خویش!
- ظلم خوانندش ار چه بد نبود!
- ور بد کنی بجای تو از بد بتر کنند!
- که بد کردن بجای نیک مردان!

۷- « من یزرع الشوک لا یحصد به العنبا! ». عین الأكثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- ۱) از نی بوریبا شکر نخوری!
- ۲) بدی را بد بود آخر مکافات!
- ۳) ز زمین شوره سنبل برنیاید!
- ۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم!

۸- « چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد! »:

- ۱) کیف الاستدلال بوجودك بما مفتقر إلى وجودك!
- ۲) کیف یستدلّ علیك بما هو فی وجوده مفتقر إليك!
- ۳) کیف یمكن الاستدلال عنك بواسطة التی محتاج إليك!
- ۴) کیف نستطیع أن نستدلّ بوجودك بمن هو محتاج إلى وجودك!

٩- « مسألة اسلام در بينش معتقدانش، از رهبري گرفته تا رهروي، مسألة دعوتی است زنده و پويا در همه سطوح! »:

(١) في معتقد المؤمنين بالاسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح القاعدة حتى القيادة و على جميع الأصعدة!

(٢) في وعي المؤمنين بالاسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح الزعيم حتى القاعدة و على جميع السطوح!

(٣) إن مسألة الإسلام في معتقد المعتقدين به و على سطح الزعامة حتى التبعية، إنها مسألة دعوة نشطة و حية على جميع السطوح!

(٤) إن مسألة الإسلام في وعي المؤمنين به على مستوى القيادة حتى القاعدة، هي مسألة دعوة نشطة و متحركة في كل صعيد!

١٠- « نفوذ و توسعه دانش و فرهنگ اسلامي در اروپا، یکی از عوامل اصلي ظهور رنسانس در قرن ١٥ بوده است! »:

(١) كان نفوذ و انتشار العلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا أحد العوامل الرئيسية لحدوث النهضة العلمية في القرن الخامس عشر!

(٢) إن نفوذ و توسيع العلم و الثقافة الإسلامية في بلاد أوروبا كان من العوامل الأصلية لبروز النهضة الثقافية في قرن الخامس عشر!

(٣) كان لنفوذ و توسعه العلوم و الثقافات الإسلامية في أوروبا العامل الرئيسي لإيجاد الانبعاث الثقافي في القرن الخامس عشر!

(٤) إن النفوذ و النشر للعلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا هو العامل الأصلي في حصول الانبعاث الثقافي في قرن الخامس عشر!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (١١-١٣)

١١- « كم الساعة الآن و كم دقيقة انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق! ». عین الخطأ:

(١) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق

(٢) كم . الساعة . دقيقة . انتظرت . الثانية

(٣) كم . دقيقة . انتظرت . الساعة . خمس

(٤) دقيقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس

۱۲- عین الصحيح:

- ۱) اِخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ اَلِنْ جَانِبَكَ وَ اِبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ،
- ۲) وَ اَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللّٰحِظَةِ وَ النَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعِظْمَاءُ فِي خَيْفِكَ لَهُمْ،
- ۳) وَ لَا يِيَّاسِ الصُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يُسْأَلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادَةٍ،
- ۴) عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنَّ يُعَذَّبُ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ!

۱۳- عین الخطأ:

- ۱) يُقَالُ إِنَّ الْمُرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ تَضْمِينَ الْإِسْتِعَانَةِ،
- ۲) وَ مَنْ تَرَكَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي صَلَاتِهِ بَطَلَتْ الصَّلَاةُ،
- ۳) سِوَاءَ كَانَتْ قَرْضًا أَوْ نَفْلًا، كَمَا يَجِبُ الْجَهْزُ بِهَا وَ لَا يَجُوزُ الْخَفْتُ،
- ۴) إِلَّا أَنْ جَمِيعَ هَذِهِ الْمَسَائِلِ خِلَافٌ فِيهَا بَيْنَ الْفُقَهَاءِ!

■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۴-۱۸)

۱۴- ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ، إِنْ كَفَرْتُمْ، يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾. عین الصحيح:

- ۱) يَوْمًا: مفعول به لفعل «تتقون» و منعت لجملة «يجعل...» و الرابط محذوف، تقديره «يجعل فيه...»
 - ۲) الولدان: اسم منثى مذكر، و فاعل لفعل «يجعل» و مرفوع بالالف، و «شيبًا» مفعول به و منصوب
 - ۳) شيبًا: جمع «أشيب» و صفة مشبهة و لا مؤنث له على وزن فعلاء، و نعت و منصوب بالتبعية
 - ۴) تتقون: فعل مضارع من باب تفعل، لفيف مفروق و له ابدال الواو إلى التاء ثم إدغام التاءين
- ۱۵- «إِذَا أَنْتَ رُمِيتَ بِعِدَاوَةِ فَلَا تِيَّاسَنَّ!». عین الصحيح:
- ۱) تِيَّاسَنَّ: فعل مضارع مجرد ثلاثي، و مبني على الفتح لوجود نون التوكيد الثقيلة و مجزوم محلاً بحرف «لا» الناهية و فاعله ضمير النون البارز
 - ۲) أَنْتَ: ضمير منفصل مرفوع و نائب الفاعل و في محل رفع، و هو مبذل من ضمير التاء المتصل، و الجملة فعلية و في محل جرّ، مضاف إليه
 - ۳) رُمِيتَ: فعل ماضٍ مبني للمجهول أو مبني للمفعول، و نائب فاعله ضمير التاء البارز، و الجملة فعلية و خبر و في محل رفع
 - ۴) إِذَا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة، و ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان، متعلقه فعل «رُمِيتَ»

١٦- « لو أنهم كانوا يلاقون مثل ما ثلّاقى، لكانوا في المضاجع مثلنا! ». عین الصحيح:

- (١) يُلاقون، نلّاقى: مضارع من باب مفاعلة، معتل و لقيف مفروق، إعلاله بالحذف
- (٢) كانوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الاولى): يلاقون؛ (الثانية): في المضاجع
- (٣) المضاجع: منتهى الجموع و ممنوع من الصرف، و منعوت للنعت «مثلنا»
- (٤) مثل: الاولى: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر «كان» المفرد و منصوب

١٧- « أعزز بنا و أكف، إن دُعينا يوماً إلى نصره من يلينا! ». عین الخطأ:

- (١) أكف: فعل جامد لإنشاء التّعجب على وزن الأمر، مبني على حذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنت »
- (٢) أعزز: فعل جامد لإنشاء التّعجب على وزن الأمر، مضاعف و ممتنع الإدغام، فاعله ضمير « نا » المجرور في اللفظ بالباء الزائدة، و الجملة فعلية
- (٣) يلي: فعل مرفوع بضمّة مقدّرة و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره « هو » و الجملة فعلية و صلة للموصول « من » و عائدها الضمير المستتر
- (٤) دعينا: فعل ماضٍ مجرد ثلاثي و مبني للمجهول أو للمفعول، معتل و ناقص و إعلاله بالقلب، نائب فاعله ضمير « نا » البارز، و الجملة فعلية و شرطية

١٨- « و لم أر كالمعروف، أما مذاقه فحلوّ، و أما وجهه فجميل! ». عین الخطأ:

- (١) أما: حرف شرط و تفصيل، مذاق: مصدر ميمي و مبتدأ و مرفوع و خبره المفرد « حلوّ » و اقترانه بالفاء واجب
- (٢) كالمعروف: الكاف اسم بمعنى « مثل » مفعول به و منصوب محلاً لفعل « أر »، المعروف: اسم مفعول و مضاف إليه و مجرور
- (٣) أر: مضارع من مزيد ثلاثي (باب إفعال)، معتل و ناقص، و له إعلال حذف الهزمة وجوباً، مجزوم بحذف حرف العلة
- (٤) لم أر: « لم » حرف نفي و نقل، « أر »: للمتكلم وحده من فعل مجرد ثلاثي، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنا » و الجملة فعلية

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٩-٣٠)

١٩- عین الصحيح للفراغ: إن المصدر «إتّمار» مأخوذ من مادة

- (١) « يمر » و لا غير
- (٢) « يمر » أو « متر »
- (٣) « أمر » و لا غير
- (٤) « أمر » أو « ومر »

٢٠- « عُدَاة - أَرْزَاء - غَدَاء - مِبْرَاءة ». عَيِّن الصَّحِيح فِي الْأَوْزَان:

- (١) فُعَلَةٌ . فُعَلَاء . فُعَلَاء . مِفْعَلَةٌ
(٢) فُعَلَةٌ . أفعال . فُعَال . مِفْعَلَةٌ
(٣) فُعَال . فُعَلَاء . فُعَلَاء . مِفْعَال
(٤) فُعَال . أفعال . فُعَلَاء . مِفْعَال

٢١- عَيِّن مَا كَلَّمَهُ مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ:

- (١) طُوس . حَضَرَ مَوْتَ . أَرْمَلَ
(٢) بَلَخ . لِيَالٍ . حَمَزَةٌ
(٣) شَوْش . ثَلَاث . تَلْفِيزِيُون
(٤) هِنْد . جَوَعَى . مَنَاذِرَةٌ

٢٢- عَيِّن الصَّحِيح فِي التَّنْصِيفِ:

- (١) مَبِيعَاد ← مَبِيعِيد / شَاعِر ← شَوْبِعِر
(٢) مَوْقِظ ← مَوْقِيط / مَوْعِد ← مَوْعِيد
(٣) أَرْض ← أَرْضِيَّة / أَحْلَى ← أَحْيَلِي
(٤) شَمْس ← شَمْسِيَّة / مَرْيَم ← مَرْيَم

٢٣- ﴿لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾. عَيِّن الصَّحِيح فِي نَوْعِ «أَنْ»:

- (١) مَوْصُول حَرْفِي
(٢) زَائِدَةٌ لِلتَّأَكِيدِ
(٣) مَخْفَقَةٌ مِنَ التَّقْيِيلِ
(٤) مَفْسَّرَةٌ لِمَا قَبْلَهَا

٢٤- عَيِّن «كَمْ» لَا يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ اسْتِفْهَامِيَّةً:

- (١) كَمْ إِبْجَابِيَّةٌ أُجِيبَتْ حَتَّى الْآنَ!
(٢) كَمْ سَاعٍ بَيْنَكُمْ فِي الصَّفِّ!
(٣) كَمْ بَشْرِي أَبْشَرْتَهُمْ بِهَا!
(٤) كَمْ طَالَعْتَ مِنْ كُتُبٍ مَفِيدَةٍ!

٢٥- عَيِّن الْخَطَأَ فِي جَوَابِ الشَّرْطِ:

- (١) إِنْ قُتِمَتْ بِهَذَا الْمَسْعَى الْمَحْمُودِ فَوَاللَّهِ تَلْهَجُ الْأَلْسِنَةُ بِذِكْرِكَ!
(٢) إِنْ تَخَلَّصَ اللَّهُ الْعَمَلِ وَاللَّهُ يُضَاعَفُ لَكَ الْأَجْرُ أضعَافًا!
(٣) الْكِتَابُ وَاللَّهُ إِنْ تَطَالَعَهُ فَهُوَ خَيْرٌ جَلِيسٍ!
(٤) وَاللَّهُ إِنْ أَنْقَيْتُمْ لِيَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَخْرَجًا!

٢٦- عَيِّن الْخَطَأَ (فِي بَابِ الْعَدَدِ):

- (١) مَتَى تُعِيدُ لِي أَلْفَ التُّومَانِ الَّذِي أَسْلَفْتَهُ إِيَّاكَ مِنْ قَبْلِ؟
(٢) مَتَى تُعِيدِينَ لِي الْإِثْنِي عَشَرَ كِتَابًا الَّذِي أَعْرَتْهَا إِيَّاكَ؟
(٣) إِنْ لَمْ أَطَالِعْ حَتَّى الْآنَ الْإِحْدَى وَالْعِشْرِينَ مَقَالَةً الَّتِي اسْتَعْرَتْهَا مِنَ الْمَكْتَبَةِ!
(٤) إِنْ لَمْ أَطَالِعْ الْكُتُبَ الثَّلَاثَةَ وَالْخَمْسَ مَقَالَاتِ الَّتِي اسْتَعْرَتْهَا مِنَ الْمَكْتَبَةِ حَتَّى الْآنَ!

٢٧- عَيِّن الْوَاوَ لَا تَكُونُ إِلَّا مَعِيَّةً:

- (١) كُلُّ طَالِبٍ وَجَهْدُهُ مُتَلَازِمَانٌ فِي الْعَمَلِ!
(٢) إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُنَا وَإِيَّاكُمْ لَوْ كُنَّا كَادِحِينَ!
(٣) نَجَحْتُ وَ اثْنَتَيْنِ مِنْ زَمِيلَاتِي فِي الْإِمْتِحَانِ!
(٤) بَعْدَ غِيَابِ الشَّمْسِ طَلَعَ النُّجُومُ وَالْقَمَرُ فِي السَّمَاءِ!

۲۸- عَيْنُ الْخَطَا (في باب الاختصاص):

- (۱) عليكم معشر الطلبة نعمت!
(۲) علي أيها البطل يعول في القتال!
(۳) عليهم الأبطال تعتمد الأمة!
(۴) بنا رجال الغد تتعلق آمال الأمة!

۲۹- عَيْنُ الْخَطَا (في باب التنازع):

- (۱) اجتهدت و أكرمتهما الطالبان!
(۲) قامت و قعدن المؤمنات في الصلاة!
(۳) أيدناهم و أيدنا المواطنين!
(۴) جاهدوا و انتصر المسلمون في طريق الحق!

۳۰- عَيْنُ الْخَطَا لِنَفْرَاغ: « سيفوز طلبة الصف بجوائز و لا سيما ... منهم! »

- (۱) المجدِّ (۲) المجدِّ (۳) المجدِّون (۴) المجدِّين

۳۱- استنباه در حفظ، در دو عقد ودیعه و وکالت چگونه است؟

- (۱) در ودیعه بالعرض و در وکالت بالذات است.
(۲) در ودیعه بالذات و در وکالت بالعرض است.
(۳) در هر دو بالذات است.
(۴) در هر دو بالعرض است.

۳۲- حکم اشتراط مدت در عقد مضاربه کدام است؟

- (۱) فسخ عقد مضاربه در طول مدت جایز است ولی تصرف بعد از مدت بدون اذن مالک صحیح نیست.
(۲) عقد مضاربه غیرقابل فسخ می شود و تصرف بعد از مدت هم نیز بدون اذن مالک صحیح نیست.
(۳) عقد مضاربه غیرقابل فسخ می شود و تصرفات بعد از مدت هم نیاز به اذن مالک ندارد.
(۴) عقد مضاربه قابل فسخ است و تصرف بعد از مدت هم مانند قبل، صحیح است.

۳۳- بنابر دیدگاه شهیدین، در صورتی که در ضمن عقد نکاح شرط عدم نکاح مجدد شود، حکم عقد نکاح اول و شرط

آن و ازدواج دوم به ترتیب کدام است؟

- (۱) باطل - باطل - باطل
(۲) صحیح - صحیح - باطل
(۳) صحیح - باطل - باطل
(۴) صحیح - باطل - باطل

۳۴- با توجه به عبارت زیر کدام گزینه درست است؟

«لخطبه بعد اجابة الغير منها او من وكيلها او وليها...»

(۱) يجوز لاصالة البرائه

(۲) يصح لأن الخطبه لا تكون عقداً

(۳) تحرم لنهاي النبي عنها في الرواية المحمولة على الحرمة

(۴) تكره لان النهي في قول النبي محمول على الكراهة جمعاً بين الاخبار

۳۵- در صورتی که زوج در عقد دائم قبل از دخول از دنیا برود، حکم عده زوجه کدام است؟

(۱) باید نصف عده وفات یعنی دو ماه و پنج روز عده نگه دارد.

(۲) چون دخول صورت نگرفته، هیچ عده ای ندارد.

(۳) باید چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد.

(۴) به میزان سه طهر باید عده نگه دارد.

- ۳۶- حکم عاریه دادن عین مستعاره توسط مستعیر به شخص ثالث، کدام است؟
 (۱) باتوجه به اذن اول معیر جایز است.
 (۲) تنها در صورت اذن مالک جایز است.
 (۳) باتوجه به این که عاریه اذن در انتفاع می باشد، جایز است مطلقاً.
 (۴) چون عین مستعاره در ید مستعیر امانت می باشد، جایز نیست مطلقاً.
- ۳۷- مقصود از «و تجوز علی کل عمل محلل مقصود» در عقد جعاله کدام است؟
 (۱) عقد جعاله بر اعمال حلال و با اغراض عقلایی واقع می شود.
 (۲) عقد جعاله بر اعمال شرعی که مدتظر متعاقبین است، واقع می شود.
 (۳) عقد جعاله بر اعمال واجب شرعی و حلال و دارای منفعت معینه جایز است.
 (۴) عقد جعاله با رضایت طرفین حلال و جایز بوده و باید مقصود هر دو طرف باشد.
- ۳۸- متن زیر چگونه کامل می شود؟
 «و لو ظهر فیها ای فی الاجرة عیب فللاجیر الفسخ او الارش ...»
 (۱) اذا ذکر الفسخ فی متن العقد
 (۲) مع التعین للاجرة فی متن العقد
 (۳) اذا ذکر الارش فی متن العقد
 (۴) مطلقاً سواء تعین الاجرة فی متن العقد أم لا
- ۳۹- مقصود از «مملوکه له بالاصالة» و «او بالتبعیة» در عبارت «و لابد من کون المنفعة مملوکه له او لمولاه سواء كانت مملوکه له بالاصالة او بالتبعیة» به ترتیب کدام ملکیت است؟
 (۱) منفعت عینی که در تملک اوست - نماءات عینی که در اجاره اوست
 (۲) منفعت عینی که در تملک اوست - منفعت عینی که در اجاره اوست.
 (۳) منفعت عینی که در اجاره اوست - نماءات عینی که در اجاره اوست.
 (۴) منفعت عینی که در اجاره اوست - منفعت عینی که در تملک اوست.
- ۴۰- مدت حمل در وصیت برای جنین با فرض حضور زوج کدام است؟
 (۱) کمتر از ۶ ماه از زمان وصیت
 (۲) پس از ۹ ماه از زمان وصیت
 (۳) پس از ۱۰ ماه از زمان وصیت
 (۴) پس از یکسال از زمان وصیت
- ۴۱- حق شفعه شریک در صورتی که عقد بیع با تقابیل یا به جهت خیار عیب فسخ شود، چگونه است؟
 (۱) در صورت تقابیل ساقط نمی شود ولی در صورت فسخ به سبب خیار عیب، ساقط می شود.
 (۲) در صورت تقابیل ساقط می شود و در صورت فسخ به سبب خیار عیب ساقط نمی شود.
 (۳) در هر دو صورت ساقط می شود.
 (۴) در هیچ کدام ساقط نمی شود.
- ۴۲- کدام گزینه در مورد تأثیر علم قاضی در صدور حکم درست است؟
 (۱) حکم قاضی مطلقاً در موارد حق الهی و حق الناسی درست است.
 (۲) حکم قاضی در موارد حق الناسی صحیح و در حق الهی نادرست است.
 (۳) حکم قاضی در موارد حق الهی صحیح و در حق الناسی نادرست است.
 (۴) حکم بر پایه علم قاضی برای امام معصوم صحیح و برای غیرمعصوم مطلقاً نادرست است.
- ۴۳- در صورتی که زنی از دنیا برود و وراثت او، زوج، پدر و مادر و دو دختر باشند، سهم الارث دختران کدام است؟
 (۱) $\frac{5}{12}$
 (۲) $\frac{6}{12}$
 (۳) $\frac{7}{12}$
 (۴) $\frac{8}{12}$

- ۴۴- کدام گزینه در مورد «اجاره اعمال» درست است؟
- ۱) یکره آن یضمّن عوض ما تلف بیده بناءً علی ضمان الصانع
 - ۲) لو جمع بین المدة و العمل فالاقرب الصحة و ان قصد التطبيق
 - ۳) لو جعل اجرتین علی تقدیرین فالاقرب البطلان للتردید و عدم معلومیة الاجرة
 - ۴) لو كان المستأجر وصياً أو وکيلاً لم یجز له تسليم الاجرة قبل العمل و لو مع الاذن أو لشاهد الحال
- ۴۵- آیا دعاوی مبتنی بر ظن و گمان مسموع است؟
- ۱) مطلقاً مسموع است.
 - ۲) مطلقاً مسموع نیست.
 - ۳) در دعاوی کیفری مسموع و در سایر موارد مسموع نیست.
 - ۴) در دعاوی کیفری مسموع نیست و در سایر موارد مسموع است.
- ۴۶- طبق دیدگاه شهیدین، «حکم بر غائب» در کدام مورد صحیح است؟
- ۱) فقط در صورتی که غیبت وی ناشی از عذر باشد. ۲) در دعاوی حق الناسی
 - ۳) فقط در دعاوی حق الهی ۴) در عموم دعاوی
- ۴۷- کدام گزینه در مورد قابلیت نقل و انتقال حق قبول در وصیت تملیکی درست است؟
- ۱) مطلقاً غیرقابل انتقال است.
 - ۲) مطلقاً به وارث منتقل می‌شود.
 - ۳) در صورتی که موصی له در زمان حیات موصی بمیرد به وارث منتقل نمی‌شود.
 - ۴) قابل انتقال به وارث است، مگر این که غرض موصی به شخص موصی له تعلق گرفته باشد.
- ۴۸- عبارت زیر تعریف کدام یک از اقسام شرکت است؟
- «بیشترک شخصان فصاعداً لعقد لفظی علی أن یکون بینهما ما یکتسبان و یربحان و یتلزمان من غرم و یحصل لهما من غنم»
- ۱) وجوه ۲) مفاوضه ۳) عنان ۴) اعمال
- ۴۹- کدام مورد درباره عدم ذکر مهر در نکاح دائم، درست است؟
- ۱) عقد نکاح مطلقاً باطل است.
 - ۲) عقد نکاح در صورتی صحیح است که در عدم ذکر مهر اهمال کرده باشند.
 - ۳) چنانچه دخول واقع شود مهر المثل ثابت است و قبل از دخول، عقد باید تجدید شود.
 - ۴) عقد نکاح صحیح است خواه در ذکر مهر اهمال کرده باشند و یا صریحاً نفی کرده باشند.
- ۵۰- کدام گزینه در مورد عقد مضاربه مطابق دیدگاه شهیدین درست است؟
- ۱) و لو فسخ المالك فلیس للعامل شیء الا حصّة مما ظهر من الربح
 - ۲) تجوز المضاربة بالدرهم و الدنانیر معینا لامشاعاً
 - ۳) و لیشر نقدأ بنقد البلد بثمان المثل فما فوqe
 - ۴) و لیشر بعین المال، الامع الاذن فی الذمة
- ۵۱- کدام گزینه در مورد «معامله صبی» درست است؟
- ۱) لا یصح بیع الصبی مع فی الاشیاء الثمینیة و یصح فی غیرها
 - ۲) یصح بیع الصبی مع الاذن و لاتفید الاجازة بعده
 - ۳) لا یصح بیع الصبی مطلقاً لأنه مسلوب العبارة
 - ۴) یصح بیع الصبی مع اذن الولی أو اجازته

- ۵۲- طبق نظر شهید اول، حکم توبه زانی اگر زنا با بیته ثابت شده باشد، کدام است؟
- ۱) توبه قبل از قیام بیته، همه اقسام حد زنا را ساقط می‌کند و بعد از قیام بیته موجب اسقاط، نیست.
 - ۲) توبه بعد از قیام بیته صرفاً موجب اسقاط حد رجم است و در فرض توبه قبل از قیام بیته، اختیار با حاکم است.
 - ۳) توبه قبل از قیام بیته باعث اختیار حاکم در عفو یا اجرای حد است و توبه بعد از قیام بیته موجب اسقاط حد نخواهد بود.
 - ۴) توبه قبل از قیام بیته موجب اسقاط حد رجم است اما حد جلد ساقط نیست و بعد از قیام بیته توبه اثری در اسقاط حد ندارد.
- ۵۳- در بیع سلم، اگر نسبت به بعضی ثمن، شرط تأجیل شود، حکم چیست؟
- ۱) شرط باطل است اما بیع صحیح است.
 - ۲) بیع نسبت به کل مبیع، باطل است.
 - ۳) بیع نسبت به مقدار مؤجل از ثمن، باطل است.
 - ۴) شرط صحیح است و بیع نیز نسبت به کل مبیع صحیح است.
- ۵۴- طبق نظر شهید ثانی، اگر مقر به عمل منافعی عفت، شخصی را نام ببرد که با او چنین عملی را انجام دادم، چه کیفری دارد؟
- ۱) به همان مرتبه اول اقرار حد زنا و قذف بر او جاری خواهد شد.
 - ۲) اگر دو مرتبه چنین اقرار کند حد قذف بر او جاری است نه حد زنا.
 - ۳) با اقرار مرتبه اول حد قذف بر او جاری می‌شود ولی حد زنا با کمتر از اقرار چهارگانه جاری نمی‌شود.
 - ۴) اگر چهار مرتبه چنین اقرار کند هم مستحق حد زنا است و هم حد قذف بر او جاری می‌شود و به کمتر از چهار مرتبه اقرار، حدی بر او جاری نمی‌شود.
- ۵۵- طبق دیدگاه شهید ثانی آیا رضایت محال‌علیه در صحت عقد حواله شرط است؟
- ۱) هیچ‌گاه رضایت محال‌علیه شرط نیست.
 - ۲) همیشه رضایت محال‌علیه در باب حواله شرط است.
 - ۳) اگر محیل در طلبکاری آسان‌گیرتر از محتال باشد رضایت محال‌علیه شرط است و الا رضایت او شرط نیست.
 - ۴) در فرضی که جنس مورد حواله با جنس حق محتال تفاوت داشته باشد و غرض استیفاء مثل حق او باشد، رضایت محال‌علیه شرط است.
- ۵۶- دیدگاه شهید ثانی، در خصوص «لو جهل المدیون صاحب الدین و یس منه» کدام است؟
- ۱) التخییر بین الصدقة، و الدفع الی الحاکم، و ابقائه فی یده
 - ۲) التخییر بین الصدقة و الدفع الی الحاکم فقط
 - ۳) تعین دفعه الی الحاکم
 - ۴) تعین التصدق به عنه
- ۵۷- عبارت «لو اختلف المستأجر و الاجیر فی هلاک المتاع المستأجر علیه...» با کدام گزینه کامل می‌شود؟
- ۱) حلف الاجیر، لانه منکر لما یدعیه المستأجر
 - ۲) حلف المستأجر، لأصالة عدم الهلاک
 - ۳) يتحالفان، لان کلاً منهما مدع و منکر
 - ۴) حلف الاجیر، لانه امین
- ۵۸- حدوث العیب بعد العقد لا يمنع الخيار اذا كان المبیع حیواناً و كان حدوث العیب
- ۱) فی الثلاثة من جهة المشتري و بعد الثلاثة من غیر جهة المشتري
 - ۲) فی الثلاثة من جهة المشتري أو غیره
 - ۳) بعد الثلاثة من غیر جهة المشتري
 - ۴) فی الثلاثة من غیر جهة المشتري

- ۵۹- به نظر شهید ثانی، قبض عین موقوفه مشاع چگونه محقق می شود؟
- (۱) با اذن واقف در منقول و غیرمنقول
 - (۲) با اذن واقف و شریک در منقول و غیرمنقول
 - (۳) با اذن واقف و شریک در منقول و اذن واقف در غیرمنقول
 - (۴) با اذن شریک در منقول و اذن واقف و شریک در غیرمنقول
- ۶۰- توضیح عبارتی که زیر آن خط کشیده شده کدام است؟
- «کل ما یصح الانتفاع به مع بقاء عینه تصح إعارته و إجارته ینعکس فی الإجارة کلیاً دون الإجارة»
- (۱) کلاً یصح الانتفاع به مع ذهاب منافعه تصح إجارته و اعارته
 - (۲) کلاً یصح الانتفاع به مع ذهاب عینه تصح إجارته و اعارته
 - (۳) کلاً لا یصح الانتفاع به الا بذهاب منافعه لا تصح إجارته
 - (۴) کلاً لا یصح الانتفاع به الا بذهاب عینه لا تصح إجارته
- ۶۱- حداقل دلالت فعل معصوم و ترک او به ترتیب کدام است؟
- (۱) ایحاً - عدم وجوب
 - (۲) وجوب - کراهت
 - (۳) ایحاً - کراهت
 - (۴) استحباب - حرمت
- ۶۲- موضوع مباحث حجیت علم اصول فقه بنابر دیدگاه مظفر کدام است؟
- (۱) ادله اربعه مطلقاً
 - (۲) ادله اربعه با وصف دللیت
 - (۳) ادله اربعه بدون وصف دللیت
 - (۴) اعم از ادله اربعه و هر چیزی که حجیت آن مورد ادعا واقع شود.
- ۶۳- دیدگاه مظفر در خصوص جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه در صورتی که مخصص لبی باشد، چیست؟
- (۱) جواز تمسک مطلقاً
 - (۲) عدم جواز تمسک مطلقاً
 - (۳) تفصیل میان مخصص عقلی ضروری و غیرضروری
 - (۴) تفصیل میان مخصص کاشف از ملاک و مقید عنوان عام
- ۶۴- حکم ظاهری برای چه مکلفی جعل شده و دلیل دال بر آن چه نام دارد؟
- (۱) مکلف مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقاهتی گویند.
 - (۲) مکلف فقیه که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقاهتی گویند.
 - (۳) مکلف اعم از فقیه و مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقاهتی گویند.
 - (۴) مکلف اعم از فقیه و مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل اجتهادی گویند.
- ۶۵- مقصود از واجب معلق چیست؟
- (۱) زمان واجب از زمان وجوب تأخر دارد.
 - (۲) زمان واجب بر زمان وجوب تقدم دارد.
 - (۳) زمان فعلیت واجب معلق بر زمان فعلیت وجوب است.
 - (۴) زمان فعلیت وجوب معلق بر زمان فعلیت واجب است.
- ۶۶- تفسیر نهی به «طلب ترک» بر اساس چه نوع دلالتی است؟
- (۱) عقلی
 - (۲) تضمینی
 - (۳) التزامی
 - (۴) مطابقی

- ۶۷- مقتضای قاعده اولیه در باب ظنون با استناد به آیات قرآن کریم است و تنها در صورت می توان از قاعده اولیه خارج شد.
- ۱) عدم جواز عمل به ظن - وجود دلیل قطعی بر حجیت ظن ناشی از یک اماره
 - ۲) عدم جواز عمل بر ظن مطلقاً - وجود دلیل عقلی بر ثبوت ظن
 - ۳) جواز عمل بر ظن مطلق - با وجود دلیل عقلی
 - ۴) جواز عمل بر ظن نوعی - اثبات روایات
- ۶۸- کدام مورد مطابق با دیدگاه مظفر در باب حجیت اجماع منقول است؟
- ۱) مطلقاً حجت است اعم از کاشفیت نزد ناقل و منقول الیه
 - ۲) مطلقاً حجت نیست اعم از کاشفیت نزد منقول الیه و ناقل چون ادله حجیت خبر واحد شامل آن نمی شود.
 - ۳) تنها در صورت کاشفیت نزد ناقل حجت است چون ادله حجیت خبر واحد فقط حجیت را برای او ثابت می کند.
 - ۴) تفصیل بین مواردی که نزد منقول الیه کاشف از حکم باشد و در این صورت حجت بوده یا فقط نزد ناقل کاشف باشد که حجت نیست.
- ۶۹- استدلال به سنت بر حجیت خبر واحد بنا بر نظر مظفر بر چه اساسی صحیح می شود؟
- ۱) تواتر معنوی
 - ۲) تواتر لفظی
 - ۳) تواتر اجمالی
 - ۴) تواتر تفصیلی
- ۷۰- کدام گزینه در تعریف «مقدمات مفوته» درست است؟
- ۱) مقدماتی که با آمدن آنها، ذی المقدمه فوت می شود.
 - ۲) مقدماتی که باید فوت شود تا ذی المقدمه وجود پیدا کند.
 - ۳) مقدماتی که اگر فوت شود مانعی برای ذی المقدمه ایجاد نمی کند.
 - ۴) مقدماتی که ترک آن قبل از زمان واجب باعث فوت واجب در وقتش می شود.
- ۷۱- در مبحث مفهوم شرط، دلالت جمله شرطیه بر کدام مورد درست است؟
- ۱) بر ترتب جزا بر شرط، به اطلاق
 - ۲) بر شرطیت انحصاری، به اطلاق
 - ۳) بر شرطیت استقلالی ناشی از انصراف
 - ۴) بر علقه لزومیه ناشی از وضع ادوات شرط
- ۷۲- کدام گزینه در خصوص تخصیص عام به مفهوم مخالف درست است؟
- ۱) ظهور عام از ظهور مفهوم مخالف اقواست، تخصیص صورت نمی گیرد.
 - ۲) ظهور مفهوم مخالف از ظهور عام اقواست، تخصیص صورت می گیرد.
 - ۳) خاص مفهومی قرینه عرفی برای کشف مراد از عام است، تخصیص صورت می گیرد.
 - ۴) هیچ یک از آن دو به صورتی بر دیگری مقدم نیست، کلام مجمل است و تخصیص صورت نمی گیرد.
- ۷۳- آیه نفر، بنا بر نظر مظفر بر کدام گزینه دلالت می کند؟
- ۱) وجوب قبول خبر واحد و قبول فتوای مجتهد بر عامی در صورت اطمینان
 - ۲) وجوب قبول خبر واحد و قبول فتوای مجتهد بر عامی
 - ۳) وجوب قبول خبر واحد در صورت افاده علم
 - ۴) تنها بر وجوب قبول خبر واحد مطلقاً
- ۷۴- حدیث «من كان علی یقین فشك، فليمض علی یقینه؛ فان الشك لا ينقض اليقين» از نگاه شیخ انصاری چه دلالتی دارد؟
- ۱) مجمل است و بر هیچ یک دلالتی ندارد.
 - ۲) دلالت آن بر حجیت استصحاب نزدیک تر است.
 - ۳) دلیل بر حجیت استصحاب و قاعده یقین است.
 - ۴) دلالت آن بر حجیت قاعده یقین و شکساری نزدیک تر است.

۷۵- در تعارض دو جمله «إِفْعَلْ كَذَا» و «لَا يَجِبُ كَذَا» کدام گزینه درست است؟

(۱) هر دو، تعارض و تساقط می‌کنند.

(۲) اولی مقدم است، چون امر ظهور در وجوب دارد.

(۳) دومی نص و مقدم است و اولی حمل بر استحباب می‌شود.

(۴) هر دو تعارض می‌کنند و تخییر برای مکلف حاصل می‌شود.

۷۶- در مبحث مفهوم شرط، قضیه شرطیه محققة الموضوع چه نوع قضیه‌ای است؟

(۱) مقدم خود موضوع حکم بوده و امکان بقاء تالی بدون آن منتفی می‌باشد.

(۲) قضیه‌ای که حکم معلق بر موضوع بوده و از نوع قضیه شرطیه سالبة الموضوع است.

(۳) تالی بر موضوعی که در مقدم ذکر شده معلق بوده و امکان بقاء تالی در هر صورت وجود دارد.

(۴) قضیه‌ای که تحقق موضوع در آن مورد شرط قرار گرفته و از نوع قضیه شرطیه سالبة المحمول است.

۷۷- در مورد تبعیت دلالت از اراده نظر صحیح چیست؟

(۱) الدلالة منحصره فی التصدیقية منها و هی تابعة للارادة

(۲) الدلالة اعم من التصورية و التصدیقية و الاولى تابعة لعلم السامع بالوضع و الثانية تابعة للارادة

(۳) الدلالة اعم من التصورية و التصدیقية و الحق ان القول بالتبعية فی الاخيرة دائما و فی الاولى احياناً

(۴) ان الدلالة غیر تابعة للارادة كما ان طرفة الباب دالة على وجود الشخص فی حالتی وجود الارادة و عدمها

۷۸- شرط معتبر در مشتق مورد نظر اصولیان کدام است؟

(۱) ان يكون جارياً على الذات مع زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۲) ان يكون جارياً على الذات مع عدم زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۳) ان يكون جارياً على الذات في حال عدم امکان زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۴) ان يكون جارياً على الذات من دون الفرق من جهة زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

۷۹- بنابر نظر مظفر مقصود از یقین در عبارت «و لا ينقض اليقين بالشك ابدأ» در صحیحه زرارة مطلق یقین است یا

خصوص یقین به وضو، به چه دلیل؟

(۱) مطلق یقین به جهت الف و لام جنس

(۲) مطلق یقین به خاطر مناسبت حکم و موضوع

(۳) خصوص یقین به وضو به دلیل وجود الف و لام عهد

(۴) خصوص یقین به وضو به خاطر خصوصیت مورد

۸۰- مقتضای اصل لفظی و عملی در دو مسئله تداخل اسباب و مسببات به ترتیب کدام است؟

(۱) مقتضای اصل لفظی در اولی عدم تداخل و در دومی تداخل و مقتضای اصل عملی در هر دو تداخل

(۲) مقتضای اصل لفظی در هر دو عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی عدم تداخل و در دومی تداخل

(۳) مقتضای اصل لفظی در هر دو عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل

(۴) مقتضای اصل لفظی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل

۸۱- گزینه صحیح نزد مظفر در مورد اصول لفظیه مانند اصالة الحقيقة کدام است؟

(۱) بازگشت همه اصول لفظیه به اصالة الظهور است و بازگشت اصالة الظهور به اصالة عدم قرینه.

(۲) نزد عقلا یک اصل بیش نیست که همان اصالة الظهور است و سایر اصول به آن رجوع می‌کند.

(۳) همه اصول لفظیه مستقل‌اند و هیچ اصلی به اصل دیگر رجوع نمی‌کند.

(۴) بازگشت همه اصول لفظیه به اصل عدم القرینه می‌باشد.

- ۸۲- نظر مظفر در مورد قید مندوحه در اجتماع امر و نهی کدام است؟
 (۱) لازم نیست، چون تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود.
 (۲) لازم است، چون بدون قید مندوحه اجتماع امر و نهی در واحد تحقق نمی‌یابد.
 (۳) لازم نیست، چون نزاع جهتی است و تعدد عنوان در تعدد معنون کفایت می‌کند.
 (۴) لازم است، به دلیل اشتراک نظر طرفین نزاع بر عدم جواز اجتماع امر و نهی در صورت نبود مندوحه
- ۸۳- در کدام یک از صورت‌ها، هر دو احتمال حمل بر نسخ و حمل بر تخصیص موجود است، نظر مظفر در این باب چیست؟
 (۱) ورود عام بعد از وقت عمل به خاص، حمل بر نسخ
 (۲) مجهول بودن تاریخ ورود عام و خاص، حمل بر نسخ
 (۳) ورود خاص بعد از وقت عمل به عام، حمل بر تخصیص
 (۴) ورود خاص قبل از وقت عمل به عام، حمل بر تخصیص
- ۸۴- کدام گزینه برای «شهرت فتوایی» تعریف مناسبی است؟
 (۱) فتوای شایعی که فاقد هرگونه مستند روایی است.
 (۲) فتوای شایعی که دارای مستند روایی ناشناخته است.
 (۳) فتوای شایعی که مستند آن خبر خاص شناخته شده‌ای است.
 (۴) فتوای شایعی که یا فاقد مستند روایی است و یا مستند روایی ناشناخته دارد.
- ۸۵- طبق دیدگاه مظفر کدام مورد در خصوص رابطه بنای عقلا و آیات ناهی از ظن در مبحث حجیت خبر واحد درست است؟
 (۱) آیات ناهی از اتباع ظن نسبت به سیره عقلا رادعیت دارد.
 (۲) خبر واحد از عموم آیات ناهی از ظن تخصیصاً خارج است.
 (۳) عمل به خبر تقه در طریقه عقلا عمل به ماورای علم نیست.
 (۴) عموم آیات ناهی از ظن، همه اشکال خبر واحد را دربرمی‌گیرد.
- ۸۶- طبق دیدگاه مظفر، مستفاد از حدیث «سألته عن رجل اختلف علیه رجلان من اهل دینہ فی امر، کلاهما یرویه، احدهما یأمر بأخذہ و الاخر ینہاہ عنہ، کیف یصنع؟ فقال: یرجئہ حتی یلقی من یخبرہ، فہو فی سعة حتی یلقاہ» چیست؟
 (۱) توقف در مقام فتوا و تخییر در عمل
 (۲) تخییر در مقام فتوا و توقف در عمل
 (۳) توقف در مقام فتوا و عمل
 (۴) تخییر بین دو خبر متعارض
- ۸۷- دور مطرح در مورد «تبادر» چگونه قابل پاسخ است؟
 (۱) علمی که تبادر بر آن توقف دارد ارتکازی و علمی که متوقف بر تبادر است، اجمالی می‌باشد.
 (۲) علمی که تبادر بر آن توقف دارد اجمالی و علمی که متوقف بر تبادر است، تفصیلی می‌باشد.
 (۳) علم متوقف بر تبادر علم اجمالی است و علمی که تبادر بر آن توقف دارد، تفصیلی است.
 (۴) علم متوقف بر تبادر علم ارتکازی بوده و علمی که تبادر بر آن توقف دارد، تفصیلی است.
- ۸۸- آیه شریفه «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاها» در چه صورتی بر اصل برائت دلالت دارد؟
 (۱) مقصود از ایفاء، اقدار و مقصود از ما، مال باشد.
 (۲) مقصود از ایفاء، اعطاء و مقصود از ما، مال باشد.
 (۳) مقصود از ایفاء، اقدار و مقصود از ما، حکم شرعی باشد.
 (۴) مقصود از ایفاء، اعطاء و مقصود از ما، حکم شرعی باشد.
- ۸۹- بنابر نظر شیخ انصاری، آیات مربوط به اصل برائت، نسبت به قول وجوب احتیاط در شبهه تحریمی چگونه است؟
 (۱) بر آن وارد است. (۲) آن را باطل می‌کند. (۳) آن را باطل نمی‌کند. (۴) بر آن حکومت دارد.

۹۰- مقصود از «آثار» و «رفع» بنابر نظر شیخ انصاری در حدیث رفع، به ترتیب چیست؟

- ۱) آثار شرعیه، خصوص رفع آثار
- ۲) آثار شرعیه، اعم از رفع و دفع آثار
- ۳) آثار شرعیه و عادیه، خصوص رفع آثار
- ۴) آثار اعم از شرعیه و عادیه و عقلیه، اعم از رفع و دفع آثار

